

دانلود مقاله لئوناردو داوینچی

جهت مشاهده [دانلود مقاله لئوناردو داوینچی](#) به پایین همین صفحه مراجعه نمایید

تعداد صفحات : 15 صفحه

برای دریافت اینجا کلیک کنید

فرمت WORD قابل ویرایش



این نوشته بیان کوچکی برای انسانی بزرگ است و این انسان بزرگ کسی نیست جز لئوناردو داوینچی . کسی که تنها در زمانه و دوران خود نزیست و افق ذهن او بسیار بلندتر از دورانی به شکوه رنسانس بود. نام لئوناردو در کتب هنر و در کنار نام استادان و بزرگان هنر و علم نامی پر تلالو است در طی مراحل مختلفی که مشغول به گرد آوری مطالب جهت این بیان بودم، بارها و بارها به واژگانی چون : خلاقیت، علم و هنر، نبوغ، کنجکاوی، ذهن بارور، دقت و شناخت و از این قبیل بسیار برخورد کردم. من لئوناردو را انسانی باهوش و خلاق یافتم که دیگران بیشتر به او نیازمند بودند تا او بدانها دربررسی مطالب و نوشته ها آنچه جلب توجه می کرد، شخصیت کنجکاو و اسرارآمیز او بود. در حقیقت او دوست داشت دیگران را به فکر کردن وا دارد. شناخت او با داشتن اندیشه های نامحدود و تا حد زیادی پوشیده در لایه های رمزآمیز حیاتش کاری سخت و دشوار است.

با نگاه به زندگی و آثار جاودانش آنچه که برایم بسیار کمرنگ جلوه کرد، شایعات و اتهاماتی بود که هیچ گاه تاکنون سندیت و دلیل روشنی بر آنها یافت نشد و آنچه برایم بسیار با ارزش بود تفکر نوگرا و شناخت او از هنر گذشته و حال خویش بود به گونه ای که این شناخت تأثیرات شگرفی در هنر دوره های پس از او داشت. برای آشنایی بیشتر با این نابغه چپ دست ابتدا بر آن شدم تا هرچند مختصر به دوره ای که او در آن می زیست پردازم. امید است این مطالب تکرار مکررات نبوده و سهمی هرچند کوچک در دفتر دانسته هاتان داشته باشد.

امین جهانگرد

زمستان ۸۶

تعیین تاریخ دقیقی برای آغاز نهضت رنسانس کاری بس قابل تأمل و بحث انگیز است.

مورخان برای سهولت پژوهش به یک اعتبار سال ۱۴۵۳ (سال پیروزی سلطان محمد فاتح بر دولت بیزانس و همچنین زمان به آخر رسیدن شیوع بیماری طاعون در سراسر اروپا) را و به اعتبار دیگر بر اساس پیشرفت‌های دریانوردی و محاسبات معماری، کشف قاره آمریکا (۱۴۹۲) و ظهور و تحولات ادبی و هنری حدود ۱۵۰۰ میلادی را آغاز این دوره می دانند.

در ایتالیای اواخر سده سیزدهم روح تازه ای در هنر دمیده می شود. این روح دوره رنسانس نوخاسته است. آنچه در ایتالیای سده سیزدهم به ظهور می رسد، الزاماً سرآغاز عصری نو می شود. عصری که تا چند سده بعد و به بیانی درست تر تا زمان ما به شکل قابل شناختی ادامه خواهد یافت.

هنر ایتالیا در اواخر سده سیزدهم و سده چهاردهم را به عنوان رنسانس آغازین مشخص ساخته ایم. در ایتالیا هنر دوره رنسانس از حمایت طبقات مرفه بازرگانی برخوردار بود که پس از خلع سیاسی اشراف بر شهرها حاکم شده بودند. بازسازی و اشاعه فرهنگ شهری روز به روز موانع فئودالی و کهنه بیشتری را فرو ریخته و امکانات پیشرفت انسانهای مستعد و بلند پرواز متعلق به طبقات گوناگون را فراهم آورده بود. رنسانس با معنا و محتوای تولد دوباره و یا احیای سنتهای ادبی و هنری روم و یونان باستان بود. این واژه ابتدا در زبانهای اروپایی و سپس یک واژه بین المللی شد.

در آن زمان امکان مبارزه جویی در برابر اندیشه ها و نهادهای کهن و تا حدودی بی اعتبار کردنشان فراهم آمده بود و در همان حال انسانهای مستعد در این عصر، پترارک و جوتو می توانستند دریابند که زمانه، در پیش گرفتن راههای تازه را تشویق می کند. در واقع تحولات و تغییرات در جهت آزاد اندیشی و انسانگرایی و اهمیت فردی بود.

روش کار هنرمند در دوره رنسانس آغازین جنبه آزمایشی دارد. او درباره همه چیز تردید دارد و مسیر او در جهت کشف کردن است.

هنرمندان فیلسوف نیستند هرچند در دوره رنسانس وجوه مشترک فراوان با فیلسوفان پیدا می کنند یکی از تغییرات اساسی این دوره تحولی درخشان همراه با نبوغی نوآفرین در معماری بود که خصلت اصلی آن اهتمام و تلاش در افزون کمال و شکوهمندی با نگاه به روم باستان بود.

در حدود ۱۴۰۰ میلادی تعدادی از پیکره های باستانی یونان و روم از دل خاک بیرون می آید که در میان هنر پژوهان غوغای ستایش انداخت. با این کشف و شناخت پیکره ها، پیکرتراشی در دوره رنسانس از صورت نقشی بر دیوار یا ابزاری در اختیار معمار درآمد.

اکنون در عالم پیکر تراشی، رب النوع شراب (باکوس) و داود نبی در کنار هم به وجود می آمدند. و یا در نقش برجسته کاری، صحنه داوری پاریس که از مضامین اساطیری یونان است. با مجلس سوگواری مریم برجسد مسیح همتا و همانند است.

جوتو در اواخر دوران گوتیک فضا را وارد نقاشی کرد. و مازاتچو در آستانه قرن پانزدهم هیكلهای خود را با حجمی سه بعدی و دارای عمق مجسم می سازد. در قرن پانزدهم مکتب نقاشی فلاندر شهرت و اعتبار بسیاری پیدا کرد و باعث شد که دوکها و فرمانروایان ایتالیا از استادان فلاندری (مانند هانس مملینگ) دعوت کنند به ایتالیا بروند و از خود آثاری در کلیساها و دربار آن به یادگار بگذارند.

همین طور نقاشان ایتالیا برای کارآموزی به شهرهای گان و بروکسل اعزام می شدند.

در اوایل سده پانزدهم فلورانس سلطه فرهنگی را بر ایتالیا قطعی کرد. اما پس از پایان این سده فلورانس مقام رهبری هنرها را از دست داد. و علت آن این بود که نوآوریهای هنرمندانش به خصیصه مشترک هنرمندان سراسر ایتالیا مبدل شده بود.

با این حال لئوناردو و میکلائو با آنکه بخش بزرگی از عمرشان را در بیرون از شهر سپری کردند باز خود را فلورانسی می نامیدند و رافائل نیز نقطه عطف تربیت هنری اش در پی آشنایی او با هنرمندان فلورانسی بود.

رنسانس پیشرفته

از حدود ۱۴۹۵ تا زمان یورش بیگانگان و غارت رم این شهر جانشین فلورانس شد و مدعی برتری هنری بر آن گردید. تعدادی از پاپهای قدرتمند و جاه طلب، قدرتی تازه به نام ایالت پاپی آفریدند و رم را پایتخت آن قرار دادند. رم در همان زمان پایتخت هنری اروپا شد.

با شروع سده شانزدهم میلادی، رنسانس وارد مرحله تازه ای می شود. که رنسانس مترقی است. اکنون دوره هنر برگزیده و به اوج کمال رسیده داوینچی، میکلائو و رافائل است. که با نبوغ خود جدایی میان واقعنمایی و آرمانگرایی (جدایی میان متعارف و متعالی) را از میان بردارند. نوعی آمیزش بین بیان احساس درونی با شکل بیرونی.

رنسانس پیشرفته دو عملکرد داشت: اول آنکه گروه بزرگی از نوابغ استثنایی را به میدان آورد. و دوم آنکه شالوده منطقی ستایش از هنرمند نابغه را در الهام الهی یافت. استادان دوره رنسانس پیشرفته حرفه ای تازه آفریدند که حق بیان خاص خود، شخصیت محترمانه خود و ادعاهای خاص خود را برای تأیید شدن از سوی بزرگان داشت.

لئوناردو داوینچی متولد ۱۵ آوریل ۱۴۵۲ در فلورانس ایتالیا است.

توسکانی زادگاه اوست مکانی که به گفته استاندال در آن انسان معمولی به اوج کمال می رسد.

مادرش دختری روستایی به نام کاترینا بود که زحمت عقد شرعی با پدر او را به خود نداد. فریب دهنده او پیرو / آنتونیو از وکلای دعاوی نسبتاً ثروتمند بود. در آن سال که لئوناردو از مادر زاده شد. پدرش با زنی هم شأن خود ازدواج کرد. و کاترینا ناچار شد به یک شوی روستایی راضی شود و طفل نامشروع را به پیرو و زنش سپرد. بنابراین لئوناردو بدون مهر مادری در یک محیط نیمه اشرافی تربیت شد. شاید در همان اوان کودکی بود که عشق به لباس زیبا و نفرت از زنان در وی پدیدار شد.

او به مدرسه ای در نزدیکی منزل وارد شد. با عشقی فراوان به ریاضی، موسیقی و رسم پرداخت با آواز خواندن و عود نواختن پدر خویش را شاد می ساخت. برای خوب طراحی کردن همه اشیاء را با صبر و دقت بررسی می کرد.

علم و هنر که در مغز او به نحوی شگرف آمیخته شده بود فقط یک اساس داشت و آن مشاهده دقیق بود. هنگامی که ۱۵ ساله شد پدرش او را به هنرکده وروکیو در فلورانس برد. تقریباً تمام مردم تحصیل کرده از داستان وزارت درباره فرشته ای که توسط او در سمت چپ تصویر غسل تعمید مسیح اثر وروکیو کشیده شد آگاهند. و می دانند که آن استاد چگونه شیفته زیبایی آن فرشته شد و باعث شد که وروکیو نقاشی را کنار گذارد و پیکرتراشی پیشه کند. با این حال شاید داستان تغییر حرفه پس از مرگ وروکیو جعل شده باشد.

در همین اوان پیر و ثروتمند شد، چند ملک خرید، خانواده خود را به فلورانس برد و متوالیاً چهار زن گرفت. زن دوم فقط ده سال از لئوناردو بزرگتر بود. وقتی که زن سوم برای پیرو کودکی دنیا آورد. لئوناردو خانه را ترک کرد و نزد وروکیو رفت. در ۱۴۷۲ به عضویت گروه قدیس یوقا درآمد. مرکز این گروه یا اتحادیه که عمدتاً از داروفروشان، پزشکان و هنرمندان تشکیل شده بود در بیمارستان سانتاماریانوئورا بود. احتمالاً در آنجا لئوناردو فرصتی برای تحصیل تشریح داخلی و خارجی بدست آورد. زیرا هدف او کشف قوانین بنیادی جریان و فعل و انفعالات طبیعت بود. مطالعات او بر روی بدن انسان کمکهای توصیف ناپذیری به رشد اطلاعات ما درباره فیزیولوژی و روان شناسی کرد.

برای دریافت اینها کلیک کنید

- [دانلود مقاله کوبسزم](#)
- [دانلود مقاله کلاس های مجازی](#)
- [دانلود مقاله فتح مصر و شام از سوی عثمانی ها و آغاز تاریخ جدید آن](#)

از این سایت ها نیز دیدن نمایید

- [ترنس لاین ، مرجع مقالات تخصصی فارسی ایران](#)
- [گت پیپر ، منبع مقالات انگلیسی و فارسی](#)
- [دانش رسان ، بیش از 1.5 میلیون مقاله فارسی](#)